

بررسی و تطبیق منظومه‌های عاشقانه‌ی فارسی ایران و شبه‌قاره در عصر صفوی (با تأکید بر آثار موجود در کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی)

سودابه بخشایی*

زرین تاج واردی**

چکیده

منظومه‌های عاشقانه بخش وسیعی از ادبیات غنایی فارسی را تشکیل داده‌اند. گسترش این حوزه‌ی ادبی در عصر صفوی، به‌ویژه در شبه‌قاره بسیار چشمگیر است؛ کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی به‌عنوان یکی از کهن‌ترین و غنی‌ترین کتابخانه‌های ایران محافظت و نگهداری بخش عظیمی از این آثار را بر عهده دارد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی تحلیلی به بررسی منظومه‌های عاشقانه‌ی فارسی عصر صفوی، اعم از نسخه‌های خطی و چاپی این کتابخانه پرداخته است. نتایج حاصل از مطالعه و تحلیل آثار، حاکی از آن است که منظومه‌سرایان این دوره در نظم داستان‌های خود، در مقایسه با آثار مشابه دوره‌های گذشته (آثار نظامی و جامی) تمایل بیشتری به ایجاز و خلاصه‌گویی و خلق منظومه‌های کوتاه‌تر داشته‌اند؛ گرچه بیشتر منظومه‌های تألیف‌شده در ایران و شبه‌قاره در ساختار کلی، ویژگی‌های لغوی و برخی بن‌مایه‌های داستانی مشابه دارند، ولیکن در حجم و اندازه، دیباچه، ریشه‌های فرهنگی، نوع شخصیت‌ها و عنصر پایان‌بخش داستان‌ها اختلافات چشمگیری دارند.

واژه‌های کلیدی: ایران، شبه‌قاره، عصر صفوی، کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی، منظومه‌های عاشقانه‌ی فارسی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز sodabebakhshae@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز zt.varedi@gmail.com

۱. مقدمه

یکی از شایع‌ترین گونه‌های شعر غناییِ فارسی منظومه‌های عاشقانه است. سرودن داستان‌های عاشقانه در ایران پیشینه‌ای بسیار کهن دارد؛ داستان‌هایی مانند زال و رودابه، بیژن و منیژه، شیرین و فرهاد و خسرو و شیرین از زمان باستان به‌جا مانده است. در شاهنامه‌ی فردوسی چندین داستان عاشقانه گنجانده شده که هرچند هدف و مقصود غایی از آن‌ها پدیدآوردن ماجرای حماسی است، لیکن می‌توان آن‌ها را منشأ و سرمنشأ برای ایجاد داستان‌های عاشقانه‌ی بعدی دانست؛ چنان‌که داستان شیرین در شاهنامه‌ی فردوسی، مبدأ کار پرارزش نظامی گردید. نظم داستان‌های عاشقانه در ایران به‌صورت جدی‌تر از قرن پنجم هجری آغاز می‌شود؛ قدیمی‌ترین شاعر قرن پنجم که به نظم داستان‌های عاشقانه می‌پردازد، عنصری است که *وامق و عذرا*، *خنگ‌بت و سرخ‌بت*، *شادبهر و عین‌الحیات* را به رشته‌ی نظم می‌کشد. سپس عیوقی داستان *ورقه و گلشاه* را سروده و در نیمه‌ی قرن پنجم، فخرالدین اسعدگرگانی داستان منظوم *ویس و رامین* را تألیف می‌کند. در پایان قرن ششم هجری نظم داستان‌ها به وسیله‌ی نظامی گنجوی به حد اعلای خود می‌رسد و در قرن‌های بعد گروهی از شاعران از آثار نظامی تقلید می‌کنند. نخستین مقلد بزرگ نظامی، امیرخسرو دهلوی است که منظومه‌های *شیرین و خسرو*، *مجنون و لیلی*، *هشت بهشت و آینه‌ی سکندری* او معروف است. سپس خواجوی کرمانی با *کمال‌نامه*، *گل و نوروز*، *گوهرنامه* و *همای و همایون*، همچنین سلمان ساوجی با *فراق‌نامه*، *جمشید و خورشید* از نظامی تقلید می‌کنند. در قرن نهم، کاتبی ترشیزی صاحب منظومه‌های *حسن و عشق*، *ناظر و منظور*، *بهرام و گل‌اندام* از داستان‌سرایان درخور توجه‌اند. در همین قرن مشهورترین داستان‌سرای ایران نورالدین عبدالرحمن جامی است؛ مثنوی‌های *سلامان و ابسال*، *یوسف و زلیخا و لیلی و مجنون* او همگی منظومه‌های عاشقانه‌ی زیبایی در زبان فارسی به شمار می‌آیند که توجه شاعران پس از وی را به خود جلب کرده است.

با تأسیس دولت صفوی در دهه‌ی اول قرن دهم، تغییرات مهمی در حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی ایران به وجود آمد. در این عصر، رواج روزافزون منظومه‌های

غنایی باعث گردید تا داستان‌های عاشقانه‌ی فراوانی به وسیله‌ی سرایندگان مختلف (به صورت ابتکاری و یا تقلیدی) به شکل‌های گوناگون پدید آید. در این دوران به موازات ایران، داستان‌های عاشقانه در شبه‌قاره نیز رونق ویژه‌ای یافت. این سنت بعد از روابط گسترده‌ی فرهنگی ایران و هند در عهد تیموریان و گورکانیان هند، با توجه به زمینه‌ها و مایه‌های فرهنگی آن سرزمین، به حد اعجاب‌آوری گسترش یافت. علاقه‌ی وافر دربار گورکانی و تشویق آن‌ها به نظم اشعار فارسی و داستان‌های منظوم و ترجمه‌ی داستان‌ها و افسانه‌های هندی به فارسی، نه تنها انبوهی از شاعران را از چهار سوی ایران به آن سرزمین کشاند، بلکه بسیاری از شاعران هندی نیز به سفارش شاهان و درباریان ادب‌دوست گورکانی، به نظم داستان‌های فارسی روی آوردند؛ به طوری که «منظومه‌سرایی در این مدت، به صورت یک سنت درآمد؛ یعنی هرشاعری رسالت خود را با نظم یک داستان عاشقانه پایان یافته می‌دید» (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۶).

با انقراض سلطنت گورکانیان و نفوذ و تسلط انگلستان در سرزمین هند، زبان فارسی که بیش از نُه قرن پیونددهنده‌ی فرهنگ و زبان دو ملت ایران و هند بود، به تدریج از رونق افتاد و زبان انگلیسی جای آن را گرفت و این میراث مشترک ارزشمند به گوشه‌ی انزوا رانده شد؛ گرچه به مرور زمان، بسیاری از آثار و دست‌نوشته‌های فارسی از میان رفته‌اند، اما تألیفات و نسخه‌های خطی فارسی متعددی نیز برجای مانده‌اند که در کتابخانه‌های هند و ایران نگهداری می‌شوند.

تاکنون تعدادی از این آثار به چاپ رسیده و برخی نیز در کتاب‌ها و مقالاتی معرفی شده‌اند و شماری از نسخه‌های خطی نیز در کتابخانه‌های مختلف متروک و ناشناخته مانده‌اند. بخش درخور توجهی از این منظومه‌ها به صورت نسخه‌های خطی، چاپ سنگی و سربی در کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی محافظت می‌شوند. نگارنده با مراجعه به این کتابخانه تعدادی از منظومه‌های عاشقانه‌ی عصر صفوی ایران و شبه‌قاره را شناسایی کرده که در این پژوهش، بیست منظومه مطالعه و تحلیل شده و سپس با یکدیگر تطبیق داده شده‌اند این منظومه‌ها عبارتند از: *سام و بهرام* سروده‌ی فیاض لاهیجی، *سلامان* و

ابسال از نویدی شیرازی (عبدی‌بیگ)، مجنون و لیلی از نویدی شیرازی (عبدی‌بیگ)، شیرین و فرهاد از میرعقیل کوثری، مهر و وفا از شعوری کاشانی، ناز و نیاز و حید قزوینی، خسرو و شیرین از شاهپور تهرانی، خسرو و شیرین از سنجر کاشانی، سوز و گداز نوعی خوششانی، محمود و ایاز انیسی شاملو، ناظر و منظور از حاجی ابرقوهی، شمع و پروانه از عاقل‌خان رازی، عصمت‌نامه از حمید کلانوری، شور خیال از بینش کشمیری، کامدی و مدن (*Kāmdēy-o-Madan*) از بیدل دهلوی، نامه‌ی عشق (سسی و پنون) از اندرجیت مُنشی، ناهید و اختر از آنچه‌ی صاحب، نقاش و صورت از ناصرعلی سرهندی، نیرنگ عشق از غنیمت کنجاهی و هیر و رانجه‌ها (*Hir-o-Rānjhā*) سروده‌ی یکتا (احمد یارخان).
فهرست منظومه‌های مطالعه‌شده در جدول شماره‌ی ۱ درج شده است.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

کتاب‌ها و مقالات متعددی (به صورت کلی یا تک‌موضوعی) درباره‌ی منظومه‌های عاشقانه‌ی فارسی نوشته شده است که تعدادی از منظومه‌های عاشقانه‌ی عصر صفوی را نیز در بر گرفته‌اند؛ از مهم‌ترین پژوهش‌ها، می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد.

خزانه‌دارلو (۱۳۸۶) در کتاب خود با عنوان *منظومه‌های فارسی به معرفی مجموعه‌ای از منظومه‌های فارسی متعلق به دوره‌های تیموریان و صفویان (از سده‌ی نهم تا دوازدهم)* پرداخته است. وی فصلی را هم به معرفی داستان‌های عاشقانه‌ی هندی اختصاص داده و برجسته‌ترین آن‌ها را نام برده است.

صدیقی (۱۳۷۷) انواع داستان‌های منظوم شبه‌قاره در عصر تیموریان را دسته‌بندی و معرفی نموده است. باباصفری (۱۳۹۲) تعداد ۱۳۸۹ داستان عاشقانه اعم از نظم و نثر فارسی از پیش از اسلام تا دوره‌ی معاصر را معرفی نموده که شماری از منظومه‌های داستانی متعلق به عصر صفویان است.

ذوالفقاری (۱۳۹۲) به دسته‌بندی، گونه‌شناسی، ریخت‌شناسی و معرفی منظومه‌های عاشقانه و بن‌مایه‌های آن پرداخته است؛ در این کتاب، ساختار روایی منظومه‌های عاشقانه مطالعه شده است.

با همه‌ی اهمیتی که این پژوهش‌ها در حوزه‌ی ادبیات غنایی دارند، در هیچ‌یک از آثار معرفی شده، منظومه‌های عاشقانه‌ی عصر صفوی، به‌ویژه آثار مربوط به شبه‌قاره، به‌صورت جامع و مفصل تحلیل و تطبیق نشده‌اند. در این جستار، با اجتناب از تکرار مکررات، آثاری بررسی شده‌اند که تاکنون تحلیل نشده یا در فهرست‌ها و کتاب‌شناسی‌ها، فقط به جزئیاتی از آن‌ها اشاره شده است.

۳. پرسش و روش پژوهش

پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخی برای پرسش‌های زیر است:

کدام منظومه‌های عاشقانه مربوط به سرزمین شبه‌قاره هستند یا ریشه در فرهنگ هندوستان دارند؟

دلایل گسترش و وسعت دامنه‌ی این گونه‌ی ادبی در عصر صفوی، به‌ویژه در شبه‌قاره، چه بوده است؟

باتوجه به هم‌زمانی و هم‌زبانی منظومه‌های ایران و شبه‌قاره، چه شباهت‌ها و اختلافاتی در ساختار کلی و محتوای منظومه‌های دو حوزه‌ی جغرافیایی دیده می‌شود؟ این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی (متن‌پژوهی) صورت گرفته و شیوه‌ی گردآوری

اطلاعات، استفاده از ابزار کتابخانه‌ای است که در مراحل ذیل به انجام رسیده است:

- مراجعه به فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان (۱۳۶۶) و فهرست وارده‌های کتاب‌های فارسی (۱۳۹۰) از زنده‌یاد احمد منزوی، فرهنگ داستان‌های عاشقانه اثر علی اصغر باباصفیری (۱۳۹۲)، یکصد منظومه‌ی عاشقانه از حسن ذوالفقاری (۱۳۹۲) و دیگر مراجع معتبر برای استخراج و تهیه‌ی فهرستی از منظومه‌های منتخب.

- انتخاب و تهیه‌ی فهرستی از منظومه‌های عاشقانه‌ی موجود در کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی.

- مراجعه به کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس جهت درخواست و گردآوری منابع.

- مطالعه، تحلیل و تطبیق تک‌تک آثار، فیش‌برداری و گردآوری اطلاعات.

۴. بررسی منظومه‌ها و دسته‌بندی آن‌ها

برای پاسخ‌دادن به پرسش‌های پژوهش، نیاز به دسته‌بندی منظومه‌ها بر اساس حوزه‌ی جغرافیایی تألیف است که در جدول شماره‌ی ۱، بیست منظومه‌ی مطالعه‌شده و حوزه‌ی جغرافیایی هر اثر مشخص شده است:

جدول شماره‌ی ۱

دسته‌بندی منظومه‌ها بر اساس حوزه‌ی جغرافیایی تألیف			
عنوان منظومه	نام سراینده	نسب سراینده	حوزه‌ی جغرافیایی تألیف
سام و بهرام	فیاض لاهیجی	ایرانی	ایران
سلامان و انسال	نویدی شیرازی	ایرانی	ایران
شیرین و فرهاد	میرعقیل کوثری	ایرانی	ایران
مجنون و لیلی	نویدی شیرازی	ایرانی	ایران
مهر و وفا	شعوری کاشانی	ایرانی	ایران
ناز و نیاز	وحید قزوینی	ایرانی	ایران
خسرو و شیرین	شاهپور تهرانی	ایرانی	شبه‌قاره
خسرو و شیرین	سنجر کاشانی	ایرانی	شبه‌قاره
سوز و گداز	نوعی خبوشانی	ایرانی	شبه‌قاره
محمود و ایاز	انیسی شاملو	ایرانی	شبه‌قاره
ناظر و منظور	حاجی ابرقوهی	ایرانی	شبه‌قاره
شمع و پروانه	عاقل خان رازی	هندی ایرانی تبار	شبه‌قاره
عصمت‌نامه	حمید کلانوری	احتمالاً هندی	شبه‌قاره
شور خیال	پیش کشمیری	هندی	شبه‌قاره
کامدی و مَدَن	بیدل دهلوی	هندی	شبه‌قاره
نامه‌ی عشق	اندرجیت مُنشی	هندی	شبه‌قاره
ناهید و اختر	اُجهی صاحب	هندی	شبه‌قاره
نقاش و صورت	ناصرعلی سرهندی	هندی	شبه‌قاره
نیرنگ عشق	غنیمت کنجاهی	سندی و پنجابی	شبه‌قاره
هیر و رانجها	یکتا (احمد یارخان)	هندی	شبه‌قاره

همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، بسامد و دامنه‌ی این منظومه‌ها در سرزمین شبه‌قاره بیش از حوزه‌ی جغرافیایی ایران است. با روی کارآمدن دولت صفوی، هم شاهان و بزرگان آن دوره به جای توجه به ادب، بیشتر مصروف تربیت و نگه‌داشت عالمان دین بود و این تربیت و بزرگداشت را سیاست دینی صفویان و نیازشان به تقویت بنیاد تشیع ایجاب می‌کرد که طبعاً زیانش متوجه حوزه‌های شعر و ادب می‌شد و شاعران به دنبال پناهگاه‌های جدید به هند و ماوراءالنهر و آسیای صغیر مهاجرت کردند.

با فاصله‌گرفتن شعر و ادب از دربار صفوی و گسترش شعر و ادبیات در جامعه و اقشار مردم، طبقه‌ی متوسط جامعه به ادبیات داستانی منظوم تمایل بسیار پیدا کرد. این تمایل که از حس نیاز به سرگرمی آن‌ها سرچشمه می‌گرفت، به داستان‌های عاشقانه و غنایی بیشتر بود و هر روز بر علاقه‌مندان و مخاطبان این نوع ادبی افزوده می‌شد؛ از این رو بیشتر شاعران این دوره به نظم داستان‌های عاشقانه روی می‌آوردند. نویدی شیرازی (عبدی‌بیگ) در منظومه‌ی *لیلی و مجنون* به این موضوع اشاره می‌کند که داستان خود را به اجمال و برحسب میل و علاقه‌ی مردم زمانه و سمع یاران سروده است:

دارند چو مردم زمانه میلی به حدیث عاشقانه
باید که برای سمع یاران نقلی کنم از سخن‌گزاران

(نویدی شیرازی، ۱۹۶۶: ۴۱)

از آن‌سو، در شبه‌قاره با توجه به اختلاط فرهنگی ایران و شبه‌قاره، تسلط بسیاری از مردم به زبان فارسی و میل و علاقه‌ی آن‌ها به منظومه‌های غنایی فارسی، یکی از دلایل نشر و گسترش این نوع ادبی شده است؛ حمید کلانوری در سبب نظم داستان *«عصمت‌نامه» (مینا و لورک)* می‌نویسد: «روزی من و دوستان صدیق و نکته‌دان در انجمنی نشستیم بودیم، هریک از دوستان درباره‌ی حُسن و زیبایی عرایس و عشاق ایران و عرب سخنوری می‌کرد؛ یکی از لیلی و عشق او می‌گفت، یکی از شیرین و یکی از عذرا و...، من نیز باب سخن را گشادم و در وصف عروس زیبای هند (مینا) شرحی راندم. دوستان با شنیدن این داستان از من تقاضا کردند که آن را به زیورِ نظم فارسی آراسته کنم

من نیز در سخن گشادم شرحی ز عروس هند راندم
گفتم که چه لیلی و چه عذرا از من شنوید وصف مینا...»
(رک. کلانوری، ۱۳۶۴: ۱۳-۱۵)

دلیل دیگر آن، برخلاف سلاطین صفوی، علاقه‌ی بسیار دربار گورکانی و وزرای ایشان به نظم اشعار فارسی است. تشویق و ترغیب درباریان گورکانی به سرودن منظومه‌های داستانی و ترجمه‌ی داستان‌ها و افسانه‌های هندی به فارسی، نه تنها انبوهی از شاعران را از چهار سوی ایران به آن سرزمین روانه ساخت، بلکه بسیاری از شاعران هندی نیز به سفارش شاهان و درباریان ادب دوست گورکانی، به نظم داستان‌های فارسی روی آوردند. نوعی خبوشانی در سبب نظم داستان «سوز و گداز» بیان می‌کند که شهزاده با پیک خاص، او را به حضور طلبد و از او خواسته است که به جای بازگوکردن قصه‌های تکراری و قدیمی، حکایت محبوبان جانباز سرزمین هند را بیان کند:

نوای تازه ای برکش ز منقار که گل در گل گدازد خار در خار
کهن شد قصه‌ی فرهاد و شیرین چو عیش رفته و تقویم پارین
یکی بر طرف آتسخانه بگذر بر آیین بت و بتخانه بنگر
بیین رونق‌گه آتش‌پرستی گل‌افشان خس و خاشاک هستی

(نوعی خبوشانی، ۱۳۴۸: ۳۹)

نمودار شماره‌ی (۱) بیانگر درصد فراوانی منظومه‌ها در دو حوزه‌ی جغرافیایی ایران و شبه‌قاره در عصر صفوی است.

۱.۴. ریشه‌های فرهنگی داستان‌ها

بر اساس مطالعه و تحقیقی که درباره‌ی تک‌تک داستان‌ها و ریشه‌های فرهنگی آن‌ها صورت گرفته و همچنین با دریافت از متن داستان‌ها، از بین آثار ذکرشده، مثنوی‌هایی که در ذیل این بخش نام برده می‌شوند ریشه در فرهنگ شبه‌قاره دارند و از فرهنگ شبه‌قاره یا هندوستان سرچشمه گرفته‌اند؛ این منظومه‌ها عبارتند از:

- سوز و گداز سروده‌ی نوعی خوششانی

این داستان حکایت دو هندوزاده است که در عهد اکبرشاه در شهر لاهور از کودکی به یکدیگر عشق می‌ورزند. مثنوی *سوز و گداز* ناظر است بر سنت «ستی» (خودسوزی) که نوعی خوششانی ماجرای آن را به دستور اکبرشاه به نظم کشیده است.

- شمع و پروانه (پدماوت و رتن) (padmavat-o-ratan) سروده‌ی عاقل‌خان رازی؛

این منظومه نام دیگری است از داستان *پدماوت* یا *رتن* و *پدم* (*Ratan-o-Padam*) که از افسانه‌های باستانی هند سرچشمه گرفته و نخستین بار به وسیله‌ی ملک‌محمد جائسی (۹۰۶-۹۹۶ق) در سال ۹۶۸ به زبان هندی سروده شده است. شهرت و مقبولیت این داستان در شبه‌قاره به گونه‌ای شد که بسیاری از شاعران پارسی‌گوی نیز به نظم آن همت گماشتند. نخستین شاعری که داستان *پدماوت* را به شعر فارسی درآورد، ملا عبدالشکور بزمی دهلوی متخلص به «بزمی» (۱۰۰۱-۱۰۷۳ق) است که نظم داستان را با نام *رتن و پدم* در دوره‌ی جهانگیرشاه در سال ۱۰۲۸ق. به پایان رسانید. پس از او عاقل‌خان رازی در دوره‌ی اورنگ‌زیب، (ظاهراً بدون اطلاع از تحریر بزمی دهلوی) داستان را با عنوان *شمع و پروانه* در سال ۱۰۶۹ق. به رشته‌ی نظم کشید. پس از عاقل‌خان رازی، شاعران و نویسندگان دیگری نیز داستان را با عناوین مختلف به نظم و نثر فارسی نگاشتند. این داستان به زبان‌های انگلیسی، پشتو و بنگالی ترجمه شده است (رک. صدیقی، ۱۳۷۷: ۱۶۳-۱۷۰).

- شور خیال از بینش کشمیری

داستان سرگذشت عشق پاک جوانی مسلمان است که عاشق دختری هندو و اهل بنارس می‌شود و سرانجام نیز با مرگ عشاق و غرق شدن آن‌ها در دریا به پایان می‌رسد. شاعر پس از توصیف بنارس و زیبارویان سبزه‌فام آن شهر، واقعه‌ی داستان را به صورت خلاصه حکایت می‌کند (رک. بینش کشمیری، ۱۳۹۵: ۴۳-۱۱۲). «داستان این دو دل‌داده در زمان خود شهرت زیادی کسب کرده و گمان می‌رود که جنبه‌ی حقیقی داشته است» (صدیقی، ۱۳۷۷: ۲۶۱). مضمون این داستان در ادبیات هند سابقه دارد و چندین شاعر آن را به فارسی سروده‌اند (رک. ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۸۱۸-۸۳۱).

عصمت‌نامه (مینا و لورک) سروده‌ی حمید کلانوری

در این منظومه، عشق نافرجام «ساتن» به شاهزاده‌ای هندی به نام «مینا»، همسر «لورک» روایت می‌شود. این داستان را ابتدا مولانا داوود در زمان پادشاهان تغلق، به نظم هندی درآورد و آن را *چندا* این نام نهاد که به داستان «لورک و چندا» و «مینا و ساتن» هم معروف است. بعد از او نویسنده‌ی دیگری به نام «سادان» قسمت دیگر این داستان را به‌عنوان «میناست» تکمیل نمود؛ سپس شیخ عبدالقدوس گنگوهی (۸۴۵-۹۴۵ق) برای نخستین بار داستان را به فارسی منظوم کرد که ظاهراً اثری از آن باقی نیست. در سال ۱۰۱۶ق شاعری به نام حمید کلانوری این داستان را دوباره به نظم فارسی کشید و آن را عصمت‌نامه نام نهاد (همان، پیشگفتار: د) و (رک. صدیقی، ۱۳۷۷: ۱۵۷).

کامدی و مدن (*Kāmdēy-o-Madan*) از بیدل دهلوی

این داستان در طول مثنوی عرفان بیدل روایت شده و موضوع آن عشق جان‌سوز دو دل‌باخته‌ی هندی به نام‌های «کامدی» و «مدن» که دست روزگار میان آن‌ها فراق افکنده است (رک. بیدل دهلوی، ۱۳۸۸: ۳۴۴-۳۸۲). بیدل هیچ اشاره‌ای به مأخذ این حکایت نکرده، اما داستانی با نام *مادهونل و کام کندلا* (*Mādhūnel-o-Kāmkandellā*) وجود دارد که جز در موارد اندکی، به داستان بیدل شباهت بسیاری دارد. این داستان سروده‌ی شاعری است با تخلص «حقیری» که ظاهراً اهل کاشان بوده و در زمان اورنگ‌زیب از مثنوی‌سرایان معروف به شمار می‌رفته است. وی این داستان را در سال ۱۰۹۱هجری سروده و آن را محض ایجاز یا اعجاز نامیده است. از اینکه بیدل مثنوی حقیری را دیده یا از آن آگاهی داشته اطلاعی در دست نیست، اما آن‌گونه که نقل می‌شود داستان *مادهونل و کام کندلا* از سانسکریت سرچشمه می‌گیرد و اولین بار در سال (۱۵۲۷ق) به‌وسیله‌ی شاعری راجستھانی به زبان هندی سروده شده و پس از ۳۲ سال، شخص دیگری این داستان را به نظم درآورده است. در سال ۹۹۱هجری، «شیخ‌عالم» داستان را به زبان هندی سروده که پس از آن به شهرت رسید و حقیری داستان شیخ‌عالم را مأخذ خود قرار داده است» (صدیقی، ۱۳۷۷: ۱۵۸-۱۵۹).

- نیرنگ عشق (شاهد و عزیز) سروده‌ی غنیمت کنجاهی

مثنوی نیرنگ عشق داستان شاهد، نوجوانی زیبارو اهل یکی از شهرهای پنجاب است که پسر حاکم شهر به نام عزیز به او دل می‌بندد و مشتاق دیدار وی می‌شود. «این مثنوی در زمان خود شهرت و مقبولیت زیادی داشته و در مدارس [شبه‌قاره] نیز تدریس می‌شده است. داستان زمینه‌ی هندی دارد و اولین منظومه‌ای است که درباره‌ی امرپرستی و عشق دو هم‌جنس در شبه‌قاره‌ی هند و پاکستان سروده شده و عشق مجازی به عشق حقیقی مبدل شده است. از این داستان، ترجمه‌های متعددی به زبان اردو و پشتو به عمل آمده و چندین شرح بر داستان نوشته شده است» (رک. صدیقی، ۱۳۷۷: ۱۳۶-۲۳۹).

- ناهید و اختر سروده‌ی اچھی صاحب؛

این مثنوی سروده‌ی شاهزاده بلنداختر، معروف به «اچھی صاحب» متخلص به «اچھی» نوه‌ی بهادرشاه اول و برادر کوچک‌تر روشن‌اختر، معروف به محمدشاه غازی است. شاعر داستان حقیقی خود را با اشعار حزن‌انگیز و لغات پردرد بیان نموده است؛ به عبارتی، این مثنوی نوعی وصف حال یا سرگذشت‌نامه‌ی راوی داستان (اچھی صاحب) است که در روز تاج‌گذاری محمدشاه در دهلی به یکی از دختران ماه‌روی مجلس علاقه‌مند می‌شود و با وی ازدواج می‌کند، اما دیری نمی‌پاید که محبوب شاعر به بیماری لاعلاجی گرفتار شده و جان خود را از دست می‌دهد. با مرگ معشوق، آشفتگی و اندوه جان‌گذاری بر شاعر مستولی می‌گردد. شاعر نیز با قلبی شکسته تألمات درونی و ناله‌های خویش را با سوز و حسرت در این منظومه ابراز می‌دارد.

- نامه‌ی عشق (سسی و پنون) (sasi-o-penon) سروده‌ی اندرجیت مُنشی

این منظومه نام دیگری است از داستان «سسی و پنون» که یکی از معروف‌ترین داستان‌های محلی سند است و در پنجاب و بلوچستان و کیچ هم شهرت دارد. شعرای زبان محلی، این داستان را چندین بار به زبان خود سروده‌اند که روایت داستان‌ها با یکدیگر تفاوت دارد، اما قصه‌ای که سروده‌ی زبان پنجابی است بیش از همه مستند است. داستان سسی و پنون را شعرای فارسی‌گوی شبه‌قاره هم چندین بار با عناوین مختلف سروده‌اند (رک.

صدیقی، ۱۳۷۷: ۱۷۴-۱۸۳). بعد از داستان هیر و رانجها معروف‌ترین داستان غرب پاکستان، قصه‌ی سَسی و پَنون است که نخستین بار به‌وسیله‌ی رضا تتوی (سراینده‌ی سندی) به زبان فارسی سروده شده است (رک. عرفانی، ۱۳۴۰: ۶۴-۶۵).

- هیر و رانجها (*hir-o-rānjhā*) سروده‌ی یکتا (احمد یارخان)

یکی از داستان‌های محلی پنجاب است که توجه بسیاری از شاعران محلی را به خود جلب نموده و شعرای فارسی زبان شبه‌قاره هم تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند. «داستان هیر محبوب‌ترین و معروف‌ترین داستان پاکستان است که صدها شاعر در زبان‌ها و لهجه‌های محلی کشور، آن را به طرق گوناگون و تعبیرهای مختلف سروده‌اند» (همان: ۱۰). در این منظومه، شاعر پیش از نقل داستان، سرزمین پنجاب و لاهور (زادبوم هیر و رانجها) را به تصویر می‌کشد و از گل‌رخان و ماه‌رویان آن خطه سخن می‌گوید، سپس به اصل داستان می‌پردازد:

اولا کک گل‌افشان تحریر
وصف پنجاب می‌کند تصویر
... لیک لاهور مصر محبوبی است
یوسفستان عالم خوبی است
(رک. یکتا، ۱۳۲۷ق: ۶-۸)

برخی داستان‌ها نیز ریشه در فرهنگ ایران، یمن، حجاز، مصر و... دارند.

۲.۴. وجوه اختلاف منظومه‌ها

۱.۲.۴. اختلاف در حجم و اندازه (تعداد ابیات)

شمار ابیات بیشتر منظومه‌های حوزه‌ی جغرافیایی ایران بیش از منظومه‌هایی است که در حوزه‌ی شبه‌قاره تألیف شده‌اند؛ از مجموع شش منظومه‌ی سروده‌شده در ایران، شیرین و فرهاد میرعقیل کوثری شامل ۳۷۷۰ بیت، ناز و نیاز و حید قزوینی ۳۲۰۰ بیت، سام و بهرام فیاض لاهیجی ۳۰۴۸ بیت، مجنون و لیلی نویدی شیرازی ۳۰۰۰ بیت، مهر و وفای شعوری کاشانی ۱۴۳۲ بیت و تنها سلامان و ابسال نویدی شیرازی شامل ۸۶۰ بیت است؛ این ارقام در حالی است که بلندترین منظومه از مجموع چهارده اثر حوزه‌ی شبه‌قاره، تنها

منظومه‌ی شمع و پروانه (پدماوت و رتن) با ۲۳۳۳ بیت سروده شده است. شمار ابیات دیگر منظومه‌ها از ۱۵۶ تا ۱۵۰۰ بیت، متغیر است (جدول شماره‌ی ۲ نمایانگر اختلاف شمار ابیات منظومه‌ها است).

جدول شماره‌ی ۲

شمار ابیات منظومه‌ها			
شمار ابیات	عنوان منظومه و حوزه‌ی جغرافیایی	شمار ابیات	عنوان منظومه و حوزه‌ی جغرافیایی
۱۳۰۸	هیر و رانجها (شبه‌قاره)	۳۷۷۰	شیرین و فرهاد (ایران)
۱۰۹۸	عصمت‌نامه (شبه‌قاره)	۳۲۰۰	ناز و نیاز (ایران)
۱۰۵۴	نامه‌ی عشق (شبه‌قاره)	۳۰۴۸	سام و بهرام (ایران)
۶۷۶	نقاش و صورت (شبه‌قاره)	۳۰۰۰	مجنون و لیلی (ایران)
۶۰۸	سوز و گداز (شبه‌قاره)	۱۴۳۲	مهر و وفا (ایران)
۵۲۲	محمود و ایاز (شبه‌قاره)	۸۶۰	سلامان و ابرسال (ایران)
۳۵۲	ناهید و اختر (شبه‌قاره)	۲۳۳۳	شمع و پروانه (شبه‌قاره)
۱۵۶	ناظر و منظور (شبه‌قاره)	۱۵۰۰	نیرنگ عشق (شبه‌قاره)
		۱۴۸۲	شور خیال (شبه‌قاره)

به‌طورکلی، منظومه‌سرایان عصر صفوی در ایران نیز در مقایسه با آثار مشابه دوره‌های گذشته (آثار نظامی و جامی) در نظم آثار خود تمایل بیشتری به ایجاز و خلاصه‌گویی و خلق منظومه‌های کوتاه‌تری دارند؛ نویدی شیرازی (عبدی‌بیگ) (۱۳۹۱) نظیره‌ی خود را با ۳۰۰۰ بیت در مقابل ۶۵۰۰ بیت لیلی و مجنون نظامی سروده و سلامان و ابرسال جامی را از ۱۱۳۲ بیت به ۶۸۰ بیت کاهش داده و نظیره‌ی خود (سلامان و ابرسال) را سروده است، وی در آغاز منظومه‌ی مجنون و لیلی به ایجاز و مجمل‌گویی خود نیز اشاره کرده است:

داده است نظامی آنچه تطویل مجمل‌کنش به لطف تأویل

(نویدی شیرازی، ۱۹۶۶: ۴۱)

۲.۲.۴. اختلاف در دیباچه یا مقدمات منظومه‌ها

دیباچه‌ی منظومه‌های حوزه‌ی جغرافیایی ایران، کامل‌تر و مفصل‌تر از آثار هم‌دوره در شبه‌قاره است. صرف‌نظر از منظومه‌ی غیرمستقل *کامدی و مدن* و منظومه‌ی ناقص *خسرو و شیرین* شاهپور تهرانی، پانزده اثر از هجده اثر دیگر با توحید، حمد، مناجات و نعت پیامبر اکرم (ص) آغاز شده‌اند، اما در میان چهارده تألیف حوزه‌ی شبه‌قاره، تنها دیباچه‌ی یک منظومه (*ناهد و اختر*)، افزون‌بر حمد، مناجات و نعت رسول اکرم (ص) مزین به منقبت ائمه‌ی اطهار (ع) شده است و دیباچه‌ی یک منظومه (*شور خیال*) مزین به معراجیه است، درحالی‌که دیباچه‌ی چهار منظومه از شش تألیف حوزه‌ی جغرافیایی ایران به حمد، توحید، مناجات، نعت رسول اکرم (ص)، معراجیه و منقبت حضرت علی (ع) و ائمه‌ی اطهار (ع) مزین شده‌اند که معرف نوع عقاید دینی و مذهبی جامعه در عصر صفوی ایران است (جدول شماره‌ی ۳ وجوه اشتراک و افتراق دیباچه‌های هجده منظومه از دو حوزه‌ی جغرافیایی ایران و شبه‌قاره را نمایان ساخته است).

جدول شماره‌ی ۳

ساختار دیباچه‌ی منظومه‌ها						عنوان منظومه و حوزه‌ی جغرافیایی
دیگر نمونه‌ها	مدح سلاطین	منقبت ائمه (ع)	معراجیه	نعت پیامبر (ص)	حمد و مناجات	
نصیحت، سبب نظم کتاب، تمثیل	-	+	-	+	+	<i>سلامان و ابسال</i> (ایران)
ذکر تمثیل در دیباچه	-	-	-	+	+	<i>شیرین و فرهاد</i> (ایران)
تعریف سخن	+	+	+	+	+	<i>ناز و نیاز</i> (ایران)
تعریف سخن، تعریف عشق	+	+	+	+	+	<i>سام و بهرام</i> (ایران)
سبب نظم کتاب	+	+	+	+	+	<i>مجنون و لیلی</i> (ایران)

تعریف جوانی	+	+	+	+	+	مهر و وفا (ایران)
تعریف عشق	-	منقبت چهار خلیفه‌ی صدر اسلام	-	+	+	شمع و پروانه (شبه‌قاره)
وصف پنجاب	+	منقبت شیخ عبدالقادر گیلانی و شیخ محمد صالح	-	+	+	نیرنگ عشق (شبه‌قاره)
تعریف سخن، تعریف صبح	+	منقبت چهار خلیفه	+	+	+	شور خیال (شبه‌قاره)
وصف پنجاب	-	-	-	+	+	هیرو رانجها (شبه‌قاره)
سبب نظم	+	-	-	+	+	عصمت‌نامه (شبه‌قاره)
-	+	-	-	-	+	نامه‌ی عشق (شبه‌قاره)
تمثیل در دیباچه	-	-	-	-	+	نقاش و صورت (شبه‌قاره)
سبب نظم	+	-	-	+	+	سوز و گماز (شبه‌قاره)
تعریف عشق، تعریف سخن	+	-	-	-	+	محمود و ایاز (شبه‌قاره)
خطاب به ساقی	-	+	-	+	+	ناهید و اختر (شبه‌قاره)
-	-	+	-	+	+	ناظر و منظور (شبه‌قاره)

۳.۲.۴. اختلاف در شخصیت‌های داستان

در اغلب منظومه‌های (غیرنظیره‌ای) هندی، شخصیت‌ها و قهرمانان داستان، اهل هند یا شبه‌قاره هستند، هیچ شخصیت داستانی خارج از این حوزه‌ی جغرافیایی دیده نمی‌شود و حوادث داستان نیز در همان فضا و مکان رخ داده است، اما منظومه‌سرایان ایرانی قهرمانان و دیگر شخصیت‌های داستان را از نقاط مختلف دنیا برگزیده‌اند و در توصیف رخدادهای داستان نیز از اماکن غیرایرانی یا غیربومی بهره برده‌اند؛ در داستان مهر و وفای شعوری

کاشانی، عشاق، یکی اهل ایران و دیگری از کشور مصر است و پیرِ رهنما (عابد) اهل سرزمین ارمن است:

که بود اندر دیار مصر شاهی کدامین شاه؟ گردون بارگاهی
در آخر دختری دادش خداوند به سان مهر و مه بس مثل و مانند
به مهر دل شهنش در دیده بنشانند به مهرش نام دائم بر زبان راند
(شعوری کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۵۷)

که در ارمن زمین شخصی است عابد که نطقش در دعا حکمی است نافذ
(همان: ۱۵۹)

در *سلامان و ابدال* نویدی شیرازی، شخصیت‌ها یونانی هستند:

کز شهنشاهان یونان خسروی آفتاب از شمع رایش پرتوی
(نویدی شیرازی، ۱۳۹۱: ۴۴)

یک برادر بود ابدالش لقب خوب‌روی و خوب‌رای و بادب
(همان: ۴۸)

یا *مجنون و لیلی*‌ها از سرزمین حجاز هستند، درحالی‌که عشاق هندی در مثنوی‌های *کامدی و مدن*، *شمع و پروانه* (*پدماوت و رتن*)، *عصمت‌نامه* (*مینا و لورک*)، *نامه‌ی عشق* (*سنسی و پنون*)، *ناهید و اختر*، *هیر و رانجها*، *شور خیال و سوز و گداز* اهل شبه‌قاره هستند و تمام حوادث نیز در همان حوزه‌ی جغرافیایی رخ داده است.

۴.۲.۴. اختلاف در عناصر پایان‌بخش داستان

اغلب منظومه‌های هندی در عناصر پایان‌بخش داستان با منظومه‌های حوزه‌ی جغرافیایی ایران تا حدودی متفاوت هستند؛ «خودسوزی (ستی) زن»، «زنده‌شدن عشاق پس از مرگ» و «زندگی جاوید یافتن» از بن‌مایه‌های رایج داستان‌های هندی و شبه‌قاره است که در داستان‌های ایرانی دیده نمی‌شود؛ در داستان *کامدی و مدن* عشاق در اثر خبر فوت دروغین به قصد امتحان، می‌میرند و پس از مرگ یا بی‌هوشی زنده می‌شوند و *هیر و رانجها* با

نوشیدن آب حیات از دستان پیر سبزپوش (خضر نبی) زنده می‌شوند و به حیات ابدی دست می‌یابند.

۳.۴. وجوه اشتراک منظومه‌ها

۱.۳.۴. وزن و بحر مشترک

از بیست منظومه‌ی تحلیل‌شده، چهارده منظومه بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن یا فعولن»، بحر هزج مسدس محذوف یا مقصور (وزن و بحر خسرو و شیرین نظامی) سروده شده‌اند که هفتاد درصد کل منظومه‌ها را تشکیل می‌دهد. از پانزده درصد دیگر، سه منظومه بر وزن «فاعلاتن مفاعیلن فعلن»، بحر خفیف مسدس مخبون (وزن و بحر هفت پیکر نظامی)، یک منظومه (مجنون و لیلی نویدی شیرازی) بر وزن «مفعول مفاعیلن فعولن»، بحر هزج مسدس مقبوض یا محذوف (بحر لیلی و مجنون نظامی) سروده شده است:

مجنون ز دل آه سرد برداشت وز سینه نوای درد برداشت
(نویدی شیرازی، ۱۹۶۷م: ۱۱۳)

منظومه‌ی *سلامان و ابرسال* نویدی شیرازی بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلان یا فاعلن» بحر رمل مسدس مقصور یا محذوف (وزن و بحر *سلامان و ابرسال* جامی) به رشته‌ی نظم درآمده است:

از خمسه چو خامه باز پرداخت از عود دلم نوای نو ساخت
(همان: ۱۳۹۱: ۲۳)

منظومه‌ی *ناظر و منظور* حاجی ابرقوهی بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فعلن» سروده شده است:

ای که چرخ فلک و مهر و قمر همه را ساختی از یک گوهر
خالق جمله اشییایی تو صانع پستی و بالایی تو
(ابرقوهی، ۱۳۹۳: ۱۰۲)

۲.۳.۴. بن‌مایه‌های مشترک

بن‌مایه‌های مشترک اغلب منظومه‌های عاشقانه‌ی این عصر عبارت‌اند از: اشتراک در آغاز عشق یا عناصر آغازگر (عاشق شدن با دیدن تصویر چهره، با شنیدن وصف معشوق، با دیدن چهره‌ی معشوق)، نسب شاهانه‌ی عشاق، مرگ پادشاه، نیروی کمکی، واسطه (دایه/ طوطی)، سفر، گذشتن از دریا، شکار، صحراگردی، دسیسه، دیدارهای پنهانی عشاق، راز و نیازهای عشاق، چاره‌گری اطرافیان، نامه‌های عاشقانه، آزمایش، بزم‌های عاشقانه، رزم و جنگ، مرگ ناگهانی عشاق، عشق نافرجام، مرگ پس از وصال.

۳.۳.۴. سادگی و فهم‌پذیربودن زبان منظومه‌ها

از دیگر ویژگی‌های مشترک منظومه‌های این عصر، سادگی و فهم‌پذیربودن زبان منظومه‌ها و تا حدی بی‌مایه‌بودن زبان ادبی منظومه‌ها است. یکی از علل این سادگی به‌ویژه در حوزه‌ی شبه‌قاره، احتمال می‌رود که ناشی از خصوصیات زبانی شاعران دو زبانه (هندی- ایرانی) و نداشتن تسلط کافی شاعران آن مرز و بوم بر اصول و قواعد زبان فارسی باشد. علت دیگر آن است که در این دوره مانند دوره‌ی تیموری تربیت معمول شاعران که در دوره‌های سامانی و غزنوی و سلجوقی و غیره وجود داشت از میان رفته بود و بیشتر گویندگان اطلاعات وسیع و کامل از زبان فارسی و عربی نداشتند. افزون‌بر این، چون دربارهای ایرانی از شاعران حمایت نمی‌کردند، شعر از دربار بیرون رفت و در دست عامه‌ی مردم و طبقات متوسط اجتماع افتاد؛ یعنی وضعی که در دوره‌ی تیموری قوت گرفته بود، در این عصر عمومیت و شدت بیشتر یافت و مخاطب متوسط‌الحال نمی‌توانست با اصطلاحات علوم مختلف و تصاویر پیچ‌درپیچ، استعارات و کنایات دور از ذهن که در آثار شاعران پیشین رایج بود ارتباط و سازگاری برقرار کند، از این‌رو در این دوران اشعار و منظومه‌های عاشقانه با زبانی ساده‌تر و مناسب درک عموم می‌توانستند مخاطبان بیشتری به دست بیاورند.

۴.۳.۴. کاربرد توصیف

بخش عمده‌ای از منظومه‌های عاشقانه را توصیف تشکیل می‌دهد و همین توصیفات یکی از معیارهای ارزش‌گذاری آن‌ها است. توصیف نقش تعیین‌کننده‌ای در منظومه‌های عاشقانه دارد و باید آن را جزء جدایی‌ناپذیر این آثار به شمار آورد. توصیف ارتباط مستقیمی نیز با کارکرد ادبی زبان دارد و به نوعی نقش تزیین کلام را عهده‌دار است. در سنت منظومه‌پردازی عاشقانه، دوام و قوام منظومه‌ها بسته به دامنه‌ی توصیفات آن‌ها است و جز این، حوادث داستان، محدود و تکراری خواهد بود. داستان‌سرا بر توصیف اشخاص، احوال درونی و ظاهری، اشیاء، مناظر، صحنه‌ها، مجلس بزم، صحنه‌ی رزم، کوه، جنگل، دریا، شب، روز، طلوع، غروب و... متمرکز می‌شود و منظومه‌ایی در چند هزار بیت خلق می‌کند. توصیف این قابلیت را دارد که ضمن تطویل متن، زنجیره‌ی حوادث را مستحکم کند و به‌عنوان عنصری پیوندساز مطرح شود.

شواهدی چند از توصیفات در داستان‌های مطالعه‌شده:

توصیف مجلس بزم در کشتی روی آب از داستان *سام و بهرام*:

به روی شط قرار بزم دادند	طرب را رخت بر کشتی نهادند
ز شادی کشتی افکندند در آب	چو بط می‌زد سفینه سینه بر آب
ز عکس روی خوبان پریوش	به جان آب می زد حُسن، آتش
ز عکس زلف خود افتاده در آب	به صید ماهی افکندند قلاب
به دور شط همه هندو غلامان	چو گرد دیدگان، صف‌های مژگان

(لاهیجی، ۱۳۸۸: ۹۸-۹۹)

و توصیف برج حمل (فروردین) در داستان *عصمت‌نامه*:

بر تخت حمل گرفت مسکن	چون خسرو آفتاب روشن
بنشست به ناز خسرو گل	بر تخت چمن به صد

تجمل

در صحن حدیقه آب پاشید	سقای سحاب گرد گردید
-----------------------	---------------------

انداخته فرش بار دیگـر فراش صبا ز سبزه‌ی تر
هرشاخ که داده غنچه بیرون در صحن چمن به صنع بیچون
برگ گل سرخ را به منقار بگرفت چو طوطی شکرخوار
(کلانوری، ۱۳۶۴: ۱۹)

۵.۳.۴. ویژگی‌های لغوی مشترک

۱.۵.۳.۴. استفاده از لغات و اصطلاحات و مفاهیم تکرارشونده (موتیف) که عبارت‌اند از: طفل، اطفال، آتش، شعله، آینه، رنگ، شکست رنگ، عدد «صد» (در مفهوم کثرت)، بسمل کردن، مرغ بسمل، نیم بسمل، مهتاب و کتان، از مه تا به ماهی، خون چکیدن از کباب، طفل اشک، نمک پاشیدن بر زخم، تبخاله، چشم بد دور...؛ شواهدی از این قبیل لغات و اصطلاحات را در ابیات زیر می‌توان دید:

ز شوق سوختن در آتش دوست نمی‌گنجید همچون شعله در پوست

(نوعی خبوشانی، ۱۳۴۸: ۵۱)

چو طفلان گرم آتش بازی عشق قدم بر جای دست‌اندازی عشق

(همان: ۵۲)

خواه رنگ نشاط و خواه طرب در شکستن بهانه نیست سبب

آخر آن بزم عالم رنگ است رنگ هر جاست شیشه بر سنگ است

عالم آب در بغل بط می دفتر شعله در گره خط نی

شرر سنگ شعله قامت شد خامشی، غلغل قیامت شد

(بیدل دهلوی، ۱۳۸۸: ۳۵۰ و ۳۵۱)

آرزو مُرد از گرانسی دل تپش افسرد در پر بسمل

(همان: ۳۵۹)

چو او از شعله‌ی هجر است نالان تو باری باش همچون شعله بالان

(وحید قزوینی، ۱۳۸۹: ۸۱)

در آغوشش زمین مانند طفلان همش گهواره، هم گهواره جنبان
(همان: ۱۰۹)

از او تا طفل گل درس سبق داشت خطش ریحان به گلزار ورق داشت
(لاهیجی، ۱۳۸۸: ۱۲۰)

مزاج حسن بس آتش سرشت است خوش آن آتش که برعاشق بهشت است
(همان: ۱۴۷)

۲.۵.۳.۴. کاربرد لغات و اصطلاحات محاوره‌ای و عامیانه از قبیل تکمه، بخیه، خیاطی، آستر، سجاف، جامه‌ی چیت قلمکار، بند قبا، نور علی نور، نازبالش، بند و بست، زبانم مو برآورد، سنگ پا، نیم برشت، خدازده، پشت پازده، زار و زرد، روسیاه، بشکن‌بشکن، نمک‌پورده، شوخ و سنگ، رفوکار، کار و بار، خاک برسر، وای ویلی، آه و ویلی، خر لنگ و....

افتاده به خاک افسر گل یعنی شده خاک برسر گل
مجنون چو بدید روی لیلی برداشت نوای وای ویلی
(نویدی شیرازی، ۱۹۶۷: ۱۸۴ و ۲۰۰)

که تیغ غمزه‌های شوخ و سنگی شهیدم کرده هر ساعت به رنگی
حکایت از دیار خویشان کرد بیان از کار و بار خویشان کرد
(سرهندی، ۱۳۷۹: ۲۲۷ و ۲۴۴)

به زیر سر بود بازش به کھسار به جای بالش چیت قلمکار
(وحید قزوینی، ۱۳۸۹: ۲۹)

که گویم از نیاز و حال زارش و زان ویرانه و از کار و بارش
(همان: ۵۹)

۶.۳.۴. کاربرد تشبیه

در منظومه‌های بررسی‌شده از انواع صور خیال، از جمله تشبیه، استعاره، تشخیص، مجاز و کنایه، با نسبتی متغیر استفاده شده است؛ اما در این میان، تشبیه (باتوجه به بسامد آن) مهم‌ترین رکن ادبی منظومه‌های عاشقانه‌ی این عصر به شمار می‌رود. تشبیهات، ریشه در طبیعت و دنیای اطراف شاعر دارند و بیشتر از نوع تشبیهات حسی هستند؛ مثال:

نماید بر فرازش هفتمی کاخ بسان خانه‌ی گنجشک در شاخ
(انیسی شاملو، ۱۰۷۷: ۱۶۵ب)

شد از انواع آن می ساغرم گم چنان کز پرتو خورشید انجم
(سرهندي، ۱۳۸: ۲۲۷)

دهانی چون فلک از هم گشاده زبان چون کهکشان بیرون فتاده
(وحید قزوینی، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

لیلی به صفا گل گلستان مچنون به نوا هزار داستان
(نویدی شیرازی، ۱۹۶۷: ۱۳۳)

چو شمع صبح، تار و تیره‌روزم چو صبح اولین کوتاه‌روزم
(تهرانی، ۱۳۸۲: ۶۰۲)

دلی دارم در این صحرای پر شور مکدر همچو گردآلوده زنبور
(بینش کشمیری، ۱۳۹۵: ۴۳)

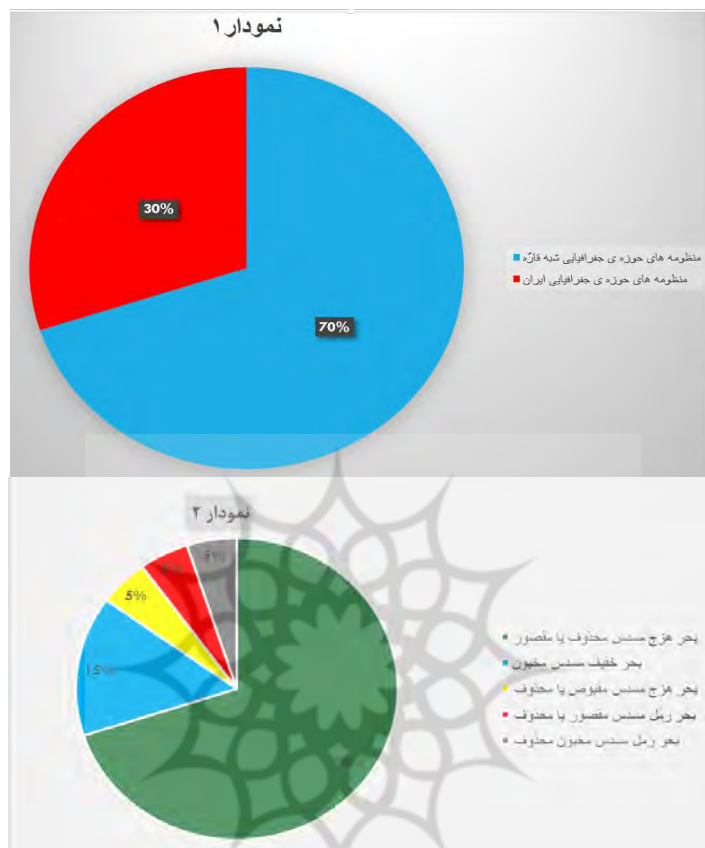
عضوها از شکاف پیراهن از دری بود باز کرده دهن
(بیدل دهلوی، ۱۳۸۸: ۳۷۵)

سپیر از چاک چاک زخم رسا همچو کاکل هزار مو به قفا
مغفر از غرفه‌های زخم دماغ همچو مجمر به کف هزار چراغ
(همان: ۳۷۶)

۵. نتیجه‌گیری

مطالعه و تحلیل منظومه‌های عاشقانه‌ی عصر صفوی حاکی از آن است که بیشتر داستان‌های منظوم عاشقانه (حدود هفتاد درصد) در سرزمین شبه‌قاره تألیف شده‌اند و برخی داستان‌ها نیز ریشه در فرهنگ آن سرزمین دارند. منظومه‌سرایان این عصر در نظم داستان‌های خود، در مقایسه با آثار مشابه دوره‌های گذشته (آثار نظامی و جامی)، تمایل بیشتری به ایجاز و خلاصه‌گویی و خلق منظومه‌های کوتاه‌تر داشته‌اند.

با توجه به زمینه‌ها و مایه‌های فرهنگی مشترک ایران و شبه‌قاره، منظومه‌های تألیف‌شده در این دو حوزه در ساختار کلی، ویژگی‌های لغوی، نوع تشبیهات و برخی بن‌مایه‌های داستانی مشابهت دارند، اما در حجم و اندازه، دیباچه و مقدمات منظومه‌ها، ریشه‌های فرهنگی و گزینش شخصیت‌های داستان اختلافات چشمگیری دارند. منظومه‌سرایان ایرانی، داستان‌ها یا نظیره‌های خود را با ساختاری کامل‌تر، پی‌رفتی وسیع‌تر، برجسته‌سازی در نوع شخصیت‌ها و اماکنی فراتر از حوزه‌ی تألیف به نظم کشیده‌اند؛ این ویژگی در حالی است که بیشتر داستان‌سرایان شبه‌قاره (مطابق با سنت‌های هندی) در انتخاب قهرمانان و توصیف صحنه‌های حوادث داستان، تنها به شخصیت‌ها و اماکن محدود به شبه‌قاره بسنده کرده و با نهایت ایجاز و اختصار به نظم داستان اقدام نموده‌اند؛ همچنین تعداد بسیاری از منظومه‌های هندی در عناصر پایان‌بخش داستان با منظومه‌های حوزه‌ی جغرافیایی ایران متفاوت هستند؛ «خودسوزی (ستی) زن»، «زنده‌شدن عشاق پس از مرگ» و «زندگی جاوید یافتن» از بن‌مایه‌های رایج داستان‌های هندی و شبه‌قاره است که در منظومه‌های ایرانی دیده نمی‌شود.



شروېشگاه علوم منابع و مطالعات فرهنگي

ابرقوهی، حاجی. (۱۳۹۳). دیوان حاجی ابرقوهی. مقدمه و تحقیق ملیحه کرباسیان، زیر نظر اوا اورتمن و محمد کریمی زنجانی اصل، مجمع ذخائر اسلامی، قم: مؤسسه‌ی مطالعات شرقی و آسیایی دانشگاه بن (آلمان).

اچھی صاحب، شاهزاده بلنداختر. (۱۸۳۷). منظومه‌ی ناهید و اختر. نسخه‌ی خطی، شماره‌ی ثبت اموال: ۳۵۰۶۷م، مشهد: کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی.

اندرجیت مُنشی. (۱۳۳۸). نامه‌ی عشق (سسی و پنون). لاهور: پنجابی ادبی آکادمی.

- انیسی شاملو، یولقلی بیگ. (۱۰۷۷). محمود و ایاز. نسخه‌ی خطی، شماره‌ی ثبت اموال: ۳۲۶۹۰م، مشهد: کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی.
- باباصغری، علی‌اصغر. (۱۳۹۲). فرهنگ داستان‌های عاشقانه. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق. (۱۳۸۸). شعله آواز (مثنوی‌های بیدل دهلوی). تصحیح اکبر بهداروند، تهران: نگاه.
- بینش کشمیری، میرجعفر بیگ. (۱۳۹۵). شور خیال. رشت: حق شناس.
- تهرانی، شاپور (شاهپور) (ارجاسب بن خواجگی). (۱۳۸۲). دیوان شاپور تهرانی. تصحیح و تعلیق از یحیی کاردگر، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- خزانه دارلو، محمدعلی. (۱۳۸۶). منظومه‌های فارسی. تهران: روزنه.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۲). یکصد منظومه‌ی عاشقانه. تهران: چرخ.
- سرهندی (سهرندی)، ناصرعلی. (۱۳۷۹). نقاش و صورت (مثنوی ناصرعلی). تصحیح مهدی داداشی آرانی، ضمیمه‌ی گنجینه‌ی بهارستان (مجموعه‌ی ۱۶ رساله در ادبیات فارسی)، به‌کوشش بهروز ایمانی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- سنجر کاشانی، میرمحمد. (۱۳۸۷). دیوان سنجر کاشانی. تصحیح و تعلیق از حسن عاطفی و عباس بهنیا، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- شعوری کاشانی. (۱۳۸۹). منظومه‌های مونس‌اخیار و مهر و وفا. تصحیح، مقدمه و تعلیقات از حسین قربان پورآرانی، تهران: هستی‌نما.
- صدیقی، طاهره. (۱۳۷۷). داستان‌سرایی در شبه‌قاره در دوره‌ی تیموریان. اسلام‌آباد (پاکستان): مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- عاقل خان رازی. (۱۰۶۹ق). مثنوی شمع و پروانه (پدماوت و رتن). نسخه‌ی خطی، شماره‌ی ثبت اموال: ۵۲۲۳۳م.
- عرفانی، عبدالحمید. (۱۳۴۰). داستان‌های عشقی پاکستان. بی‌جا: ابن‌سینا.

غنیمت کنجاهی، مولانا محمد اکرم. (۱۹۲۵م). *نیرنگ عشق (مثنوی غنیمت)*. چاپ سنگی، لکهنو: مطبع منشی نولکشور.

کلانوری، حمید. (۱۳۶۴). *عصمت‌نامه (داستان مینا و لورک)*. تصحیح سیدامیرحسین عابدی، دهلی نو: مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی در هند.

کوثری همدانی، میرعقیل. (۱۳۳۱). *شیرین و فرهاد*. نسخه‌ی خطی. شماره‌ی ثبت اموال: ۱۷۸۵م، مشهد: کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی.

لاهیجی، عبدالرزاق بن علی. (۱۳۸۸). *سام و بهرام*. تصحیح عبدالحسین نوایی و الهام ملک‌زاده، تهران: لوح محفوظ.

منزوی، احمد. (۱۳۶۶). *فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان*. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

_____ . (۱۳۹۰). *فهرست‌واره‌های کتاب‌های فارسی*. جلد ۲/۱۱، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

نوعی خوششانی، محمدرضا. (۱۳۴۸). *سوز و گداز*. تصحیح امیرحسین عابدی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

نویدی شیرازی (عبدی بیگ)، زین‌العابدین بن عبدالمؤمن. (۱۹۶۶م). *مجنون و لیلی*، مقابله، تصحیح و مقدمه از ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف، مسکو: دانش.

_____ . (۱۳۹۱). *سلامان و ابدال*، تصحیح و تطبیق آن با

روایت‌های دیگر. فاطمه مدرسی و همکاران، ارومیه: بوتاه.

وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر. (۱۳۸۹). *ناز و نیاز*. تحقیق و تصحیح ذبیح‌الله حبیبی‌نژاد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

یکتا، نواب احمد یارخان. (۱۳۲۷ق). *هیر و رانجه‌ها*. نسخه‌ی چاپ سنگی، مشهد: کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی.